



نقش تعهد اخلاقی در تامین سلامت روانی انسان از دیدگاه اسلام

رمضان مهدوی آزادبنی^۱، سید علی اکبر ربیع نتاج^۲، مریم استادی^۳

۱. دانشیار دانشگاه مازندران

۲. دانشیار دانشگاه مازندران

۳. کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه مازندران

چکیده

رابطه بین اخلاق و دین همواره از جمله مباحثی است که در کانون توجه اندیشمندان قرار داشته است. از جمله مسایل در این رابطه توجه به نقش اخلاق در زندگی انسان می باشد. دین اسلام جهت بهره‌مند سازی انسان از زندگی اجتماعی مسالمت‌آمیز و توأم با آرامش، قوانینی را با نام اصول اخلاقی بیان می‌دارد. اگرچه این موضوع، مورد توجه نویسندگان مسلمان قرار گرفته اما این نگرش به صورت تفکیکی بوده، و ارتباط این دو گزاره؛ یعنی ارزش‌های اخلاقی و امنیت روانی، در این پژوهش‌ها مغفول مانده است. به نظر نگارنده با مراجعه به منابع اصیل دین اسلام، یعنی قرآن و سنت، می‌توان از وقوف به رابطه این دو موضوع، در تأمین امنیت روانی جامعه بهره یافت. این پژوهش که با روش توصیفی-تحلیلی گردآمده، اصل ایمان را به عنوان پشتوانه اخلاق، و اصولی همانند اخوت، تواضع، عهد و پیمان و مسئولیت-پذیری را نیز به عنوان اصول برجسته اخلاقی و تأثیرگذار در امنیت ذهنی، دانسته و عمل بدانها را بهترین راهکار در ارتقای آرامش جامعه قلمداد می‌کند. کارآمدی این اصول در فراهم نمودن امنیت جامعه، منوط به تقید و پذیرش قلبی (ایمان) افراد جامعه نسبت به عمل نمودن به فرامین اخلاقی یاد شده می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: اصول اخلاقی، امنیت روانی، ایمان، آرامش، اسلام



مقدمه

در پژوهش حاضر، به تبیین برخی مفاهیم دینی مرتبط با مقوله امنیت روانی می‌پردازیم تا بدین وسیله با نوع نگاه اسلام و راهکارهایی که جهت حاکم شدن این نوع از امنیت در جامعه ارائه می‌دهد آشنایی یابیم. منظور از تأثیر ارزش‌های اخلاقی بر ایجاد امنیت اجتماعی، در واقع آن دسته از احکام اخلاقی هستند که خداوند از طریق وحی و به واسطه ارسال رسل، جهت تعالی، کمال و پیشرفت بشریت نازل فرمود. این دسته از احکام اخلاقی از آن حیث مورد بررسی قرار می‌گیرند که در تعمیق و گسترش امنیت روانی و ذهنی افراد یک جامعه مؤثر واقع می‌گردند. با توجه به این توضیح، مسئله مورد بحث روشن گردید و آن عبارت است از اینکه تأثیر مهم‌ترین و مؤثرترین ارزش‌های اخلاقی در ایجاد آرامش جامعه چگونه خواهد بود. بنابراین هدف از انجام این پژوهش، آشنایی با تأثیراتی است که مؤلفه‌های اخلاق اجتماعی در برقراری امنیت روانی جامعه، به جا می‌گذارند.

ایمان، مهم‌ترین پشتوانه اخلاق

هر چند پژوهش پیش‌رو به بحث در رابطه با مؤلفه‌های اخلاقی تأثیرگذار در امنیت روانی اختصاص دارد؛ اما از آنجا که تحقق ضوابط اخلاقی در جامعه، نیاز به پشتوانه‌ای استوار داشته و جز در سایه «ایمان» و تعمیق ارزش‌های اخلاقی، میسر نمی‌گردد، در این بخش از پژوهش، نگارنده بر خود لازم می‌داند که به بررسی جایگاه و تأثیر ایماندر کیفیت برقراری موازین اخلاقی، بپردازد.

فطرت و پرستش ناآگاهانه به همان دلیل که ناآگاهانه و توجیه ناپذیر است از دوام و بقای لازم برای حوادث و شئونات زندگی افراد جامعه کفایت پذیر نیست و از این روست که در رابطه با عملکرد تربیتی ایمان، از تبدیل شعور ناآگاه به آگاه یاد می‌شود که از جمله اهداف بعثت انبیاء الهی است.

ایمان و امنیت هر دو از ریشه امن هستند. امن به معنای آرامش نفس و زوال خوف، و ایمان به معنی تصدیق آنچه همراه امن است (طریحی، ۱۳۷۵، ج ۶، ص ۲۰۵).

اسلام معتقد است که زندگی دنیا، جز کسب معارف الهی که منجر به خداشناسی می‌گردد نفع دیگری ندارد. اخلاق به کمال نمی‌رسد مگر اینکه متکی به زندگی صالح و عبودیت خداوند باشد تا ایمان در فرد ریشه نداشته باشد اخلاق به ثمر نخواهد نشست (طباطبایی، ۱۴۱۲، ۵۲-۵۱). به عبارت دیگر، اخلاق در صورتی می‌تواند کارکرد آرامش بخشی و امنیت آفرینی داشته باشد که پشتوانه‌ای چون دین و ایمان را دارا باشد. از این رو می‌توان گفت؛ بهترین ضامن اجرای حقیقی اخلاق «دین و ایمان» است (منصور نژاد، ۱۳۸۸، ص ۴۲).

بنابراین عامل اصلی و محرک اساسی جهت مؤثر واقع شدن گزاره‌های اخلاقی، وجود ایمان است.

امنیت روانی، در پرتو ایمان و عمل صالح

آدمی تنها در پرتو ایمان، به آرامش و امنیت درونی و بیرونی دست می‌یابد. مؤمن کسی است که در سایه ایمان به خالق هستی، خود را ملزم به اجرای تمامی دستورات او کرده و در نتیجه این پیروی به آرامشی پایدار دست یابد، لذا پس از آنکه حقانیت دستورات الهی در وی درونی گشت، این ایمان و تسلیم در اعضا و جوارح او نمود یافته و به مرحله



عمل می‌رسد و نهایتاً زندگی را برای او با آرامش همراه می‌سازد. از این روست که در اکثر آیات قرآن، ایمان در کنار عمل صالح قرار گرفته است.

«وَالَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ» و کسانی که گرویده و کارهای شایسته کرده‌اند البته آنان را در زمره شایستگان درمی‌آوریم (عنکبوت/۹).

آثار و نتایج ایمان و عمل صالح در ایجاد امنیت روانی

قرآن به ارائه تصویری روشن از هستی پرداخته و در آن نقش ایمان را به گونه‌ای به تصویر می‌کشد که می‌توان ادعا کرد، اگر ایمان از زندگی انسان حذف‌گردد، زندگی در این دنیا جز به پوچی نخواهد رسید. قرآن برای هستی، آغاز و انجام بیان می‌کند، که توحید محوری‌ترین عنصر آن را تشکیل می‌دهد. خالق و پروردگار انسان او را برای هدفی آفریده و از این رو زندگی‌اش با مرگ پایان نمی‌یابد.

بیش و نگرشی که ایمان به خدا، اعتقاد به روز رستاخیز و درک معنای خلیفه الله بودن، به زندگی انسان می‌بخشد، موجب تقویت آرامش در انسان می‌گردد؛ از این رو قرآن، آرامش را به عنوان یکی از آثار ایمان در زندگی فردی و اجتماعی برشمرده و بیان می‌کند که چگونه انسان مضطرب، با باور و ایمان خود، زندگی خود را با امنیت و آرامش درونی توان می‌سازد. همانطور که در این آیه کریمه می‌خوانیم:

«إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالنَّصَارَى وَالصَّابِئِينَ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» در حقیقت کسانی که [به اسلام] ایمان آورده و کسانی که یهودی شده‌اند و ترسایان و صابئان، هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان داشت و کار شایسته کرد پس اجرشان را پیش پروردگارش خواهند داشت و نه بیمی بر آنان است و نه اندوهناک خواهند شد (بقره/۶۲).

۱- آرامش روحی

بنابر آنچه بیان شد می‌توان به اولین و مهم‌ترین نتیجه ایمان پی‌برد. بالاترین لذت‌ها برای انسان «سکینه و آرامش روحی» است که از آن به «امنیت ذهنی» نیز تعبیر شده است. ایمان راسخ، خود عاملی است تافرد همراه با تعادل روانی بدون اضطراب به فعالیت‌های اجتماعی بپردازد. خداوند نیز در قرآن، رسیدن به این آرامش را تنها در سایه ایمان میسر می‌داند.

«هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا» اوست آنکس که در دل‌های مؤمنان آرامش را فرو فرستاد تا ایمانی بر ایمان خو بیفزایند (سوره فتح/۴)

در این آیه سکینه، همان معنای سکون و آرامش را در بردارد؛ به این معنا که خداوند به واسطه ایمان، آرامش را بر قلوب مؤمنان حاکم می‌سازد تا بر آنها که پس از بیم و ترس، امنیت را برایشان فراهم آورده است از لطف خود آگاه نمایند (طبرسی، ۱۳۷۷ ش، ج ۴، ص ۱۳۴). در این صورت، اهل ایمان از نگرانی و اضطراب در امانند. بنابراین فردی که به حقایق معنوی متکی است، از تحولات و فراز و نشیب‌های زندگی نگران نخواهد شد. در روایات در رابطه با این موضوع چنین آمده است: «إِنَّ الْمُؤْمِنَ... لَا يَخَافُ مِنْ شَيْءٍ وَهُوَ عَلَامَةٌ كُلُّ مُؤْمِنٍ» همانا مؤمن از هیچ چیزی نمی‌هراسد؛ و این علامت مؤمن است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۶۴، ص ۳۰۵، ح ۳۶).

آیه ذیل نیز با همین مضمون آمده است: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ» آگاه باشید که بر دوستان خدا نه بیمی است و نه آنان اندوهگین می‌شوند. (یونس/۶۲)



بنابراین مؤمن با این پشتوانه اعتقادی، نسبت به انسان‌ها و قدرت‌های ظاهری ترس نداشته، و این خود مایه آرامش و امنیت است. حال اگر ایمان به خدا فراگیر شود و اکثریت مردم یک جامعه از ایمان به معنای واقعی بهره‌مند شوند طبیعی است که آرامش در جامعه نمود پیدا می‌کند و امنیت اجتماعی محقق خواهد شد. در این صورت تمامی اعضای جامعه، بدون تهدید و آسیب‌های اجتماعی در کنار یکدیگر زندگی خواهند کرد.

۲- امیدواری

از دیگر نتایجی که ایمان برای افراد جامعه به ارمغان می‌آورد، برخوردارریاز روحیه بانشاط وامیدوارانه است، که این خود نقش بسیار مؤثری در ایجاد امنیت و آرامش روحی خواهد داشت. این آیه گواه بر گفتار ما می‌باشد: «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» اگر مؤمنید سستی مکنید و غمگین مشوید که شما برترید. (آل عمران/۱۳۹)

چرا که مؤمن به عنصر امید آراسته می‌گردد و امید به عنوان عامل حرکت، شادابی و طراوت، موجب می‌شود تا یأس و بی‌هدفی از انسان دور گشته و زندگی‌اش معنا و مفهوم دیگری یابد. به همین دلیل است که خداوند فرموده: «إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» آنان که ایمان آورده و کسانی که هجرت کرده و در راه خدا جهاد نموده‌اند، آنان به رحمت خدا امیدوارند؛ خداوند آمرزنده مهربان است (بقره/۲۱۸).

و یا در آیه‌ای دیگر با همین مضمون، می‌خوانیم: «يَا بَنِي آدْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوْسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَيَاسُوا مِنْ رُوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيَاسُ مِنْ رُوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ» ای پسران من بروید و از یوسف و برادرش جستجو کنید و از رحمت خدا نومید مباشید زیرا جز گروه کافران کسی از رحمت خدا نومید نمی‌شود (یوسف/۸۷)

نتیجه این که، برخوردارری از روحیه امیدواری، به واسطه مزین گشتن به ایمان، باعث ایجاد شور و نشاط در افراد گشته و از آنجا که انسان موجودی اجتماعی است، نشاط و امیدواری او در نحوه تعاملات و حسن معاشرت با دیگران مؤثر خواهد بود.

۳- تحقق جامعه سالم

مسلم است که ایمان و عمل صالح، موجب می‌گردد که ما به مدینه فاضله نزدیک شویم. در اینجا منظور از عمل صالح؛ انجام هر عملی است که به روابط اجتماعی افراد در جامعه استحکام می‌بخشد.

جامعه‌ای را تصور کنیم که تحت سیطره طاغوت و شرک است و مردم در پی بهره‌کشی از طبقه ضعیف جامعه هستند؛ و در مقابل، جامعه‌ای، توحید و عمل صالح را محور و اساس زندگی خود قرار داده و با طبیعت به مبارزه برمی‌خیزد و آن را مقهور خود می‌سازد. به طور قطع جامعه‌ای که محور زندگی خود را ایمان و عمل صالح قرار داده است از امنیت برخوردار است. از همین رو پیامبر رحمت ابتدا قصد تغییر عقیده افراد جامعه را داشت. (مدرسی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۲۰) کوتاه سخن اینکه ایمان، اساسی‌ترین رکن حیات انسانی است. انسان، نمی‌تواند بدون ایمان، زندگی سالم و همراه با آسایش را تجربه نماید. واضح است که ایمان بدون عمل صحیح، تأثیر مطلوب را نخواهد داشت.

لذا افراد جامعه نه تنها می‌بایست ایمان و عمل نیکو را همراه با یکدیگر داشته باشند، بلکه می‌بایست جامعه خود را طوری بسازند که دائما افراد، تحت تلقین کارهای خیر واقع گردند. در چنین صورتی از جامعه‌ای سالم و امن برخوردار خواهند بود (مطهری، بی‌تا، ص ۴۹-۴۳).



بنابراین، پایبندی به ایمان مهم‌ترین پشتوانه جهت‌دستی‌یابی به اخلاق نیکو و در نهایت، امنیت روانی است. صرف ایمان، کاری از پیش نمی‌برد، در واقع ایمانی که به دنبال خود عمل و پایبندی به عقاید داشته باشد، می‌تواند امنیت و سلامت را برای جامعه تضمین نماید. خداوند متعال می‌فرماید:

«مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» هر کس از مرد یا زن کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای حیات [حقیقی] بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد (نحل/۹۷).

مقصود از زندگی پاکیزه، آن نوع زندگی است که در آن مفاهیم انسانی زنده گردد. صلح و صفا، محبت و دوستی، همدردی، همکاری، آرامش و تمامی ارزش‌های اخلاقی حکم‌فرما بوده و بشر از قید انحصار طلبی، خودمحوری و ستمکاری بیرون آید. جامعه در سایه ایمان به خدا، از بسیاری از ناامنی‌های اجتماعی مصون می‌ماند؛ و این نوع زندگی در پرتو «عمل صالح» به جامعه ارزانی می‌شود؛ در نتیجه، افراد جامعه بسان اعضای یک تن به همیاری یکدیگر می‌شتابند (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۱۱، ص ۳۹۰).

لذا با برخورداری از جامعه سالم و امن، برقراری روابط و نیز نحوه عملکرد افراد در آن، به نحوی مطلوب و بدون هراس انجام خواهد شد. اعضای چنین جامعه‌ای نه تنها باعث ایجاد اختلال در محیط اجتماع نشده بلکه در جهت پیشرفت و محقق شدن امنیت، یکدیگر را یاری می‌نمایند. در این صورت، نیازی به کنترل توسط دولت نیست.

الف) مفهوم شناسی «أخوت»

«أخوت» مصدر «أخ» و به معنای برادری، دوستی و مصاحبت است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱۴، ص ۱۹) برخی برای باورند که معنای اصلی أخوت، قدرت و نیرو است، اما در آن مفهوم الفت و عطف و دوستی نیز لحاظ شده است. (واعظ زاده الخراسانی، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۶۸۱). أخوت در لغت، پیوندی است که دو یا چند چیز را به هم مرتبط می‌سازد، (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۴۷) این دو نقطه مشترک می‌توانند، پیوند خویشاوندی، رضاعی و ... باشند. در پژوهش حاضر، منظور از أخوت پیوند دوستی و الفت است.

در قرآن کریم نیز این واژه، به معنای گوناگون به کار رفته است. یکی از این معانی در سوره حجرات به کار رفته: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» در حقیقت مؤمنان با هم برادرند پس میان برادران‌تان را سازش دهید و از خدا پروا بدارید امید که مورد رحمت قرار گیرید (حجرات/۱۰).

جامعه بشری دارای پیوندهایی متنوع است. در این میان، پیوند برادری در جامعه ایمانی استوارترین آن هاست که از ایمان سرچشمه گرفته و از مؤلفه‌های مهم در ایجاد و بسط امنیت روانی است. قرآن کریم نیز می‌خواهد محکم‌ترین ارتباطات و صمیمی‌ترین دوستی‌ها را میان مسلمانان برقرار سازد. از این منظر همه مسلمانان را برادر و دوست یکدیگر خوانده است.

آثار و نتایج پیوند أخوت بر امنیت روانی

برادری و دوستی کینه‌ها را محو ساخته و به برکت آن، کشمکش‌های مختلف در جامعه فروکش می‌نماید، حرص و آزهای شخصی کمرنگ‌شده، پرچم‌های نژادگرایی و نژاد پرستی فرو می‌افتد. علاوه بر این، آثار دیگری دارد، که هر کدام می‌تواند در تأمین امنیت اجتماعی نقش بسزایی ایفا کند.



۱- آرامش

بدون تردید، یکی از نیازها و خواسته‌های بنیادین بشر، امنیت و آرامش روحی است. اصل برادری و اخوت ایمانی از جمله ارزش‌های دینی است که این نیاز را برآورده می‌سازد، زیرا با پیوند برادری، دل‌ها به یکدیگر انس و آرامش می‌گیرد. امام صادق (ع) در این باره می‌فرماید:

«لِكُلِّ شَيْءٍ شَيْءٌ يَسْتَرِيحُ إِلَيْهِ وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ يَسْتَرِيحُ إِلَىٰ أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ...» هر چیز با وسیله‌ای آرام می‌گیرد، و آرامش مؤمن با برادر مؤمنش است (مفید، ۱۴۱۳، ص ۳۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۱، ص ۲۳۴، ح ۳۰)

نیک روشن است؛ که همنشینی با افرادی که خود را با ایمان راستین آراسته‌اند، احساس امنیت و آرامش را موجب شده و در نتیجه بیان عقاید و نظریات در زمینه‌های مختلف و به شکلی خاص سهولت می‌یابد. که این خود امنیت ذهنی را به دنبال دارد.

بنابراین؛ پیوند و رابطه دوستی، میان افراد جامعه یک نوع امنیت جانی و مالی و آبرویی را به ارمغان می‌آورد؛ لذا اگر مسلمانان، این آیه از قرآن را که می‌فرماید: «انسان‌ها از هر نژاد، جنس، رنگ و تباری باشند و در هر گوشه‌ای از دنیا زندگی کنند، همانند هم هستند؛ و تنها در اصل تقوا با هم متفاوت‌اند»؛ را مبنا قرار دهند، احساس خطر و ناامنی از جامعه رخت برمی‌بند و جای آن اعتماد و همدلی، خواهد نشست.

«مَثَلُ الْمُؤْمِنِ فِي تَوَادُّهِمْ وَ تَرَاحُمِهِمْ كَمَثَلِ الْجَسَدِ إِذَا اشْتَكَى بَعْضُهُ تَدَاعَىٰ سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَ الْحُمَىٰ» مؤمنان در مهرورزی و دلسوزی به هم چون یک بدن هستند که چون عضوی از آن به درد و شکوه درآید، همه اعضای آن دچار بی‌خوابی و تب گردد (همان، ج ۵۸، ص ۱۵۰، ح ۲۹).

آری؛ مؤمنین همواره به دنبال ایجاد محیط آرام، برای دیگر افراد نیز هستند، چرا که آرامش و آبروی دیگران را آرامش و آبروی برادر دینی خود دانسته و در حفظ آن بی‌تفاوت نخواهند بود.

۲- عطف و مهربانی

بدیهی است؛ که خشونت و نامهربانی یکی از موانع امنیت، عوامل ناامنی و فقدان آرامش است. جامعه‌ای که نحوه روابط افراد را پیوند برادری آنان تعیین می‌نماید، جز با ملاحظت و مهربانی، با یکدیگر رفتار نکرده و خشونت در میان آنان بی‌معناست؛ زیرا خشونت و رفتار مبتنی به زور، در واقع به معنای چشم پوشی کردن، از قوه عقلانی و درک و روح انسانی است. (پژوهشکده فقه و حقوق علوم و اندیشه سیاسی اسلام، ۱۳۸۴، ص ۵۸-۵۹). خداوند نیز از خشونت منع نموده و در آیات قرآن خطاب به محمد (ص) فرموده است؛ اگر خشن و سخت دل بودی مردم از اطراف تو پراکنده می‌شدند؛ «...وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظًا لَفُضِّوا مِنْ حَوْلِكَ...» (آل عمران/۱۵۹)

مهربانیو مدارا با مردم، سبب می‌شود افراد به یکدیگر احترام گذارده و با امور روزمره خود را با آرامش مضاعف انجام دهند، بدون اینکه از ابزار خشونت استفاده نمایند. در حقیقت این خشونت است که گاهی افراد را وامی‌دارد که به حقوق دیگران تجاوز نمایند. وجود چنین خلقیاتی در جامعه، در ایجاد و تحقق امنیت روانی نقش بسیار مهمی را ایفا می‌نماید.



۳- خیرخواهی

با حاکم شدن روحیه رحمت و مهربانی در میان افراد جامعه، سعی در پیشبرد اهداف عالی اسلام پررنگ می‌گردد. این نوع برادری یکی از کارآمدترین راه‌ها برای اتحاد میان جامعه است و فرد مسلمان هرگز شرایط نامطلوب را برای هم‌نوع خود نمی‌پسندد؛ همان گونه که پیامبر اکرم (ص) فرمود:

«لِيَنْصِلِ الرَّجُلُ مَنْكُمُ أَخَاهُ كَنْصِيحَتِهِ لِنَفْسِهِ» باید هر فرد از شما، نسبت به برادرش خیرخواه باشد، همانگونه که برای خود خیرخواه است (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۲۰۸، ح ۴).

نصح؛ به معنی خالص شدن و خالص کردن است. وقتی می‌گوییم «نَصَحَ الشَّيْءُ نَصْحًا» یا اینکه «نَصَحَ الْعَسَلُ» یعنی عسل را صاف و خالص کرد. پند دادن را از آن جهت نصح و نصیحت گویند که از روی خلوص نیت و خیرخواهی محض است (قرشی، ۱۳۷۱، ج ۷، ص ۷۱).

بنابراین از جمله؛ خلقیات اجتماع سالم، (اصلاح میان افراد) و بهبود روابط افراد جامعه است. در چنین جامعه‌ای مردم، وظیفه خود می‌دانند که بین افراد، صلح ایجاد کنند؛ زیرا خیرخواهی دوستی به بار می‌نشانند چنانکه حضرت علی (ع) می‌فرماید: «النصیحةُ تُثمرُ أُلُودَ» (محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۲، ص ۴۳)

(ب) مفهوم تواضع

«تواضع» در لغت از ماده «وضع» در اصل به معنی فرو نهادن است، این تعبیر در مورد خسارت، زیان کرد و کمبود، تعبیر به «وضیعة» می‌شود. (اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۸۸۷) و هنگامی که به عنوان یک صفت اخلاقی در نظر گرفته می‌شود، مفهومی است که انسان خود را پایین‌تر از آنچه موقعیت اجتماعی اوست قرار دهد، به عکس تکبر که مفهومی برتری‌جویی و قرار دادن خویش برتر از موقعیت فردی و اجتماعی اوست.

بعضی از ارباب لغت «تواضع» را به معنی «تذلل» تفسیر کرده‌اند و منظور از تذلل در اینجا خضوع و فروتنی و تسلیم است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۹۸)

در رابطه با مفهوم تواضع، مرحوم نراقی در «معراج السعادة» در تعریف تواضع این چنین می‌گوید: «تواضع عبارت است از شکسته نفسی، که نگذارد آدمی خود را بالاتر از دیگری ببیند، و لازمه آن کردار و گفتار چندی است که دلالت بر تعظیم دیگران و اکرام ایشان می‌کند». (نراقی، ۱۹۶۳، ص ۳۰۰)

تعبیر به «فروتنی» در فارسی دقیقاً همین معنا را می‌رساند و این مسأله از خلال گفتار و رفتار انسان‌ها نمایان می‌شود. آثار و نتایج تواضع در امنیت اجتماعی

مسلم فروتنی و تواضع یک خلق اجتماعی است که نتایج مثبت فراوانی را، هم برای فرد متواضع و هم برای افرادی که با وی در تعامل هستند خواهد داشت که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌نماییم.

۱- حسن معاشرت

در باره ثمرات و آثار مثبت تواضع نیز مطالب فراوانی از معصومین به ما رسیده است که به مواردی چند، که برگرفته از روایات است، اشاره می‌نماییم: از جمله تأثیراتی که تواضع در برقراری روابط صحیح اجتماعی دارد، ایجاد روابط حسنه در بین افراد جامعه و یا همان حسن معاشرت و روابط صمیمانه است که در به وجود آمدن امنیت ذهنی تأثیر بسزایی دارد.



در حدیثی از امام امیرالمؤمنین (ع) می‌خوانی: «ثمره التواضع المحبة و ثمره الکبر المسببة» میوه درخت تواضع محبت است و میوه شوم) تکبر دشنام و ناسزاگویی مردم است! (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۴۶۱۴)

همانطور که بیان کردیم، تواضع از عوامل بسیار مهم در تألیف قلوب است. و این صمیمیت و محبت باعث تعالی آرامش روانی در جامعه می‌گردد. در حدیثی از امام علی بن موسی الرضا (ع) می‌خوانیم: «التواضع درجات منها أن يعرف المرء قدر نفسه فيزلها منزلتها بقلب سليم لا يحب أن يأتي إلى أحد إلا مثل ما يؤتي إليه، إن رأى سيئة درآها بالحسنة، كاظم الغيظ، عاف عن الناس، و الله يحب المحسنين»

تواضع درجات و مراحل دارد: یکی از مراحل آن این است که انسان قدر و موقعیت نفس خویش را بداند و در همان جایگاه (و پذیرش درونی) جای دهد، دوست نداشته باشد کاری در باره کسی انجام دهد مگر همانند کارهایی که درباره او انجام می‌دهند. هرگاه بدی از کسی ببیند آن را با نیکی پاسخ دهد، خشم خود را فروبرد، از گناهان مردم درگذرد و آنها را مورد عفو قرار دهد، خداوند نیکوکاران را دوست دارد. (کافی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۲۴).

با توجه به نشانه‌هایی که امام رضا (ع) درباره تواضع بیان کردند مشخص می‌شود که فروتنی افراد یک جامعه نه تنها موجب می‌گردد که خود، از داشتن ذهنی آرام که دیگر مردمان را محترم می‌دارد، لذت ببرند، بلکه این امنیت ذهنی را به تمامی مردمانی که با او در معاشرت هستند انتقال می‌دهد. چرا که اخلاق متواضعانه افراد جامعه، این پیام را به همراه دارد که شخصیت و جایگاه همه افراد محترم است و همگی در برخورداری از محیطی آکنده از احترام، بخشش و دوستی یکسانند. در واقع، این نوع تعریف از تواضع ما را به این نکته متوجه می‌سازد که؛ فرد متواضع دیگر فضایل اخلاقی همانند گذشت، بخشش و ادب در کلام را نیز همزمان داراست. بنابراین این فضیلت اخلاقی - اجتماعی وسعت معنایی بیشتری دارد و در ایجاد امنیت روانی افراد بسیار مؤثر است.

۲- نظم اجتماعی

از دیگر ثمرات خصلت نیکوی تواضع نظم اجتماعی است؛ در سوره شعراء خداوند روی سخن را به پیامبر (ص) کرده، می‌فرماید: بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند پایین بیاور (و تواضع و محبت کن)؛ «وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ» ای پیامبر بال و پر خود را برای مؤمنانی که از تو پیروی می‌کنند بگستر (و نسبت به آنها تواضع و مهربانی کن). (شعراء/۲۱۵)

«خفض» در اصل به معنی پایین آوردن است و «جناح» به معنی بال می‌باشد. بنابراین و «اخفض جناح» کنایه از تواضع آمیخته با محبت است، تا بدین وسیله مؤمنان، هم در برابر حوادث احتمالی مصون بمانند و هم از تشتت و پراکندگی حفظ شوند.

در حدیثی از حضرت علی (ع) آمده است: «يَخْفِضُ الْجَنَاحَ تَنْتَظِمُ الْأُمُورَ» با تواضع و محبت کارها نظم و سامان می‌یابد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶، ح ۴۳۰۲).

روشن است که نظم جامعه جز در سایه همکاری و همدلی حاصل نمی‌شود و همکاری و همدلی افراد و گروه‌های جامعه، در صورتی ممکن است که مدیران نخواهند خود را بر اعضای گروه و جامعه تحمیل نموده، و خود را برتر از دیگران قلمداد نمایند، چرا که همواره مدیرانی موفق هستند که در عین قاطعیت، متواضع و با محبت باشند.

در حدیث دیگری از رسول خدا (ص) می‌خوانیم: «التواضع لا يزيد العبد إلا رفعة فتواضعوا يرفعكم الله» تواضع جز بزرگی بر انسان نمی‌افزاید پس تواضع کنید تا خداوند شمارا بلند مقام سازد (هندی، ۱۴۰۵، ح ۵۷۱۹).



گاه چنین تصور می‌شود که تواضع، انسان را کوچک می‌نماید در حالی که همواره می‌بینیم افراد متواضع در جامعه مورد احترام بوده‌اند تواضع بر منزلت آنافزوده و مانع پیشرفت مدیران نبوده است. با این نوع نگرش، همدلی و محبت میان افراد اجتماع رشد یافته، نظم در کارها ایجاد شده و پیروی از مسئولان و مدیران با سهولت و با کیفیت بهتری انجام می‌گردد در نتیجه امنیت روانی نیز بر جامعه حاکم خواهد شد.

(ج) مفهوم شناسی عهد و پیمان

عهد به معنای نگهداری پی در پی و صیانت بی وقفه و مراعات کردن از آن، آمده است؛ و «وفی» یعنی حق خود را تمام و کمال گرفتن، حق دیگران را کامل پرداختن، و تمام و کمال رساندن چیزی را گویند. (قرشی، ۱۳۷۷، ج ۵، ص ۵۹؛ اصفهانی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۸۷۸) در نتیجه وفای به عهد بدین معناست که عهد بدون کم و کاست و مطابق وعده انجام شود.

عهد؛ نیز به معنای عهد و ضد گشودن و به معنی جمع کردن اطراف یک چیز به صورت محکم، مثل گره زدن دو سر طناب یا دو طناب به هم، و به صورت استعاره به معنای عهد و پیمان به کار رفته است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۹۶؛ عسگری، ۱۴۲۱، ص ۳۶۶). بنابراین در هر دو، آنچه که مهم است پایبندی به آن هاست زیرا عهد و پیمان یکی دیگر از ارزش‌های اخلاقی است که ظهور آن در جامعه، ما را به سوی دست یافتن به امنیت روانی سوق می‌دهد. تعبیری دیگر چون «وعده» و «بیعت» نیز به معنای عهد آمده است که رایج‌ترین واژه در این رابطه خود واژه عهد است و تعبیری که برای پایبندی به عهد در آیات به کار رفته واژه‌هایی نظیر «وفا» و «رعایت» است که بیش از همه وفا کاربرد دارد. نظیر این آیه (سوره اَوْفُوا بِعَهْدِكُمْ... (بقره/۴۰) که واژه «وفی» آمده است.

احترام به معاهدات و نتایج آن در ایجاد امنیت اجتماعی

یکی از مواردی که زیر بنای حیات اجتماعی در زمینه‌های گوناگون خانوادگی، فرهنگی، اقتصادی و ... را تشکیل می‌دهد، معاهدات است. اگر این معاهدات به استحکام خود باقی بمانند، در نتیجه؛ امنیت روانی نیز در آن جامعه برقرار می‌شود. پایبندی به معاهدات و لزوم عمل به آن، ریشه فطری و ارتکازی دارد، و هر انسانی ارزش این امر و احترام به آن را در نخستین مدرسه، یعنی فطرت و سرشت می‌آموزد. (سیحانی، ۱۳۸۳، ج ۱۳، ص ۲۰۱) در رابطه با اینکه وفای به عهد، چگونه موجب برقراری امنیت اجتماعی می‌شود در قرآن به طور مستقیم و صریح، آیه‌ای یافت نشد. اما از آموزه‌های اسلامی درمی‌یابیم که یکی از مؤلفه‌های برقراری امنیت روانی، وفای عهد است.

به عنوان مثال حضرت علی (ع) به مالک اشتر فرمان داد؛ که به وعده خود پایبند باشد، حتی اگر طرف مقابل، دشمن او باشد، بعد فرمود: «...وَقَدْ جَعَلَ اللَّهُ عَهْدَهُ وَ ذِمَّتَهُ أَمْنًا أَفْضَاً بَيْنَ الْعِبَادِ بِرَحْمَتِهِ وَ حَرِيماً يَسْكُنُونَ إِلَى مَنَعَتِهِ وَ يَسْتَفِضُونَ إِلَى جَوْلِهِ...» خداوند پیمان و زینهار خود را امانی قرار داده، و از در رحمت به بندگان رعایت آن را بر عهده همگان نهاده، و چون حریمی استوارش ساخته تا در استواری آن بیارمند و رخت به پناه آن کشند. (نهج البلاغه، بی‌تا، نامه ۵۳، ص ۴۴۲)

عهد و پیمانی که با نام خدا و برای او باشد، مایه آرامش بندگان و ایمنی برای آن‌هاست، لذا چنین عهد و پیمانی، آرامش را برای افراد جامعه به ارمغان می‌آورد، در این صورت این اخلاق نیکو به عنوان یکی از مؤلفه‌های امنیت روانی محسوب می‌شود.



۱- نظم اجتماعی

یکی از آثار وفای به عهد، نظم اجتماعی است. این آیه (...وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا) (اسراء/۳۴) بر وجوب وفای به عهد تأکید می‌نماید؛ و انسان را در مقابل آن مسئول می‌داند. چرا که در واقع وفای به عهد، احترام به عقودی است که خود مقرر نموده و تأیید کرده است؛ و این امر، نظم و انسجام خاصی را در چارچوب جامعه ایجاد می‌کند. (فضل الله، ۱۴۱۹، ج ۴، ص ۱۱۲-۱۱۱)

از آنجا که انسان‌ها برای هدف مشترک گرد هم آمده‌اند؛ اصلی‌ترین عامل حفظ و بقای نظم، رعایت هنجارهای اجتماعی است، وفای به عهد و عمل به آن - که خود به معنای وجود نظم در فردی است که وفای به عهد می‌نماید - موجب ارتقای نظم مداری می‌گردد. وجود نظم و انضباط در جامعه، می‌تواند به عنوان یکی از عوامل محقق شدن امنیت روانی باشد.

برخی چون «دارندروف» مبنای هنجارهای موجود در اجتماع را، اراده و تمایلات و هوس‌های صاحبان قدرت می‌داند، نه ارزش‌های مورد پذیرش جامعه، یعنی آنچه که قدرتمندان امر کنند، باعث نظم در جامعه می‌شود. نه آن ارزش‌هایی که افراد جامعه آن را پذیرفته‌اند (جوان، ۱۳۸۳، ص ۲۷). اما واقعیت امر این است؛ که نظم در جامعه، زمانی محقق می‌شود که فرد به ارزش‌های اخلاقی موجود در جامعه احترام بگذارد؛ زمانی که هنجارهای اخلاقی از جمله؛ وفای به عهد در جامعه نهادینه شود، احترام و اعتماد میان افراد و گروه‌ها افزایش یافته، حسن معاشرت و آرامش را در پی خواهد داشت.

۲- افزایش اعتماد

اصل وفای به عهد، یکی از عوامل مقوم اعتماد، در روابط اجتماعی انسان‌هاست. در سوره مائده آمده است: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَوْفُوا بِالْعُقُودِ» ای کسانی که ایمان آورده‌اید، به قراردادهای خود وفا کنید. (مائده/۱) حرف «ال» در «العقود» استغراق است و تمامی عقودی که بین انسان‌ها منعقد می‌شود، را فرامی‌گیرد (صادقی تهرانی، ۱۳۶۵، ج ۸، ص ۱۳). وفای به عهد و پیمان، اثراتی در جامعه دارد؛ که از جمله دستاوردهای آن؛ جلب اعتماد و مستحکم شدن روابط است.

از این رو خداوند مؤمنین را به حفظ عهد، تشویق کرده و حق ایمان را چنان می‌داند؛ که مؤمن را به رعایت عهد و پیمان وادار سازد، چون در ایمان معنای سکون و اطمینان نهفته است، هنگامی که انسان یقین کرد که عهد خود را هرگز نمی‌شکند، مسلماً دلش بر آنچه یقین یافته مستقر و ساکن می‌شود. او در جامعه به روابط اعتماد می‌کند و در نتیجه، جامعه سرشار از امنیت ذهنی خواهد شد (همان، ص ۱۸؛ طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۱۵، ص ۱۱).

اعتماد در قالب روابط بین افراد و توقعاتی که آنان از یکدیگر دارند تعریف می‌شود. اعتماد در زندگی اجتماعی، نقش عاملی را دارد که ثبات و تداوم در زندگی را ممکن می‌سازد. در حقیقت اعتماد یک نوع، ساز و کاری است که باعث حفظ یکپارچگی وحدت روابط اجتماعی و نهادها می‌شود. (آلن لاونتن، ۱۳۸۴، ص ۱۰۸).

نتیجه اینکه، داشتن یک جامعه اخلاقی، باعث می‌شود که اعتمادها و همکاری‌ها افزون شده و تنش‌ها و تضادها کاهش یابد و نهایتاً آرامش روانی در اجتماع برقرار گردد.



(د) مفهوم مسئولیت پذیری

اصل واژه «مسئولیت»، از ماده «سأل» ریشه می‌گیرد (ابن فارس، ۱۳۹۱، ج ۳، ص ۱۲۴) و گوهر معنایی آن عبارت است از؛ طلب و درخواست امری مطلوب از شخصی اعم از، خبر، مال یا علم است (مصطفوی، ۱۳۸۵، ج ۵، ص ۸). در اصطلاح گفته شده؛ مسئولیت به معنای موظف بودن به انجام امری است و مسئول کسی است که فریضه‌ای بر دمه دارد که اگر به آن عمل نکند از او بازخواست می‌شود (آموزگار، ۱۳۷۶ش، ص ۱۱۱).

توضیح اینکه؛ اصل مسئولیت عبارت است از؛ احساس تعهد جهت اجرای دستورات و رعایت هنجارهای اجتماعی، و منظور از مسئولیت پذیری این است که فرد نسبت به دستورات، قوانین و هنجارهای اجتماعی آگاه شده و طبق آن‌ها رفتار خویش را شکل دهد، در غیر این صورت از سوی خداوند و جامعه بازخواست می‌گردد. قرآن کریم می‌فرماید: «وَمَا يَعْزُبُ عَنْ رَبِّكَ مِنْ مِثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ» و هم وزن ذره‌ای، نه در زمین و نه در آسمان از پروردگار تو پنهان نیست. (یونس/۶۱)

بنابراین، مسئولیت‌پذیری عبارت است از؛ تعهد انسان در راستای انجام درست و کامل مقررات و قوانین الهی. این امر محقق نمی‌شود مگر اینکه فرد، خدا را ناظر بر اعمال خویش بداند. در این صورت است که انجام کامل مسئولیت محوله را عبادت دانسته حال چه این مسئولیت نسبت به خالق باشد و چه در برابر هم نوعان خود که مخلوق خداوند هستند.

مسئولیت انسان در حوزه روابط اجتماعی و نتایج آن در امنیت روانی

همانگونه که همگان واقفاند، بسیاری از ابعاد وجودی انسان در حیات جمعی شکوفا می‌شود، و در میان جمع معنا پیدا می‌کند، اگر اجتماع نباشد تمایلات و عواطف، انسانیت، گذشت و ایثار معنا نمی‌یابد. با توجه به این موضوع، انسان‌ها در برابر سرنوشت یکدیگر تأثیر و تأثر دارند. هر کدام در حدود مسئولیت خود گام بر می‌دارند و بنابر نقشی که در جامعه ایفا می‌کنند این مسئولیت‌ها متفاوت خواهد بود.

افراد بر طبع ذوق و استعداد و امکانی که برای آنان وجود دارد مسئولیت می‌پذیرند. اینکه حکما گفته‌اند: «الانسان مدنی بالطبع» اشاره به همین معنی دارد و انگیزه انسان به زندگی اجتماعی از همین راه تفسیر می‌شود (مشایخی، ۱۳۷۹، ص ۳۵).

از آنجایی که انسان مسئولیت‌های مختلفی در قبال افراد جامعه دارد و مجال بحث آن در این پژوهش نیست، تنها به گوشه‌ای از نظریات اسلام در این زمینه می‌پردازیم.

۱- مصالحه و سازش در میان مردم

«صلح و آرامش» یکی از اساسی‌ترین عناصری است که بافت‌های روابط اجتماعی و صمیمانه را در جامعه تشکیل می‌دهد. اگر افراد «برقراری صلح و آشتی میان مردم» و «برطرف نمودن کدورت‌ها و اختلافات» را در زمره وظایف خود در جامعه تلقی کنند، می‌توان بسیاری از ناامنی‌های اجتماعی را خنثی کرد.

در تعالیم اسلام بر هر مسلمانی واجب است در راه سعادت جامعه از خون، مال و آبروی افراد جامعه حمایت نمایند؛ چنانکه از پیامبر اکرم (ص) روایت گردیده است: «إِنَّ دِمَاءَكُمْ وَأَمْوَالَكُمْ وَأَعْرَاضَكُمْ عَلَيْكُمْ حَرَامٌ» خون، مال، عرض و آبروی شما حرام است (مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۲۳، ص ۱۶۵؛ محدث نوری، ۱۴۰۸، ج ۱۸، ص ۲۰، ح ۲۲۵۱۶).



خداوند نیز در قرآن، مؤمنان را هشدار می‌دهد اگر دو طایفه یا قبیله بر سر موضوعی به جنگ و جدال پرداختند بین آنان صلح و سازش برقرار کنید: «وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا» و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید. (حجرات/۹)

در این آیه «اقتلوا» از ماده «قتال» به معنی جنگ است ولی در اینجا قرائن گواهی می‌دهد که هر گونه نزاع و درگیری را شامل می‌شود هر چند به مرحله جنگ و نبرد نیز نرسد. به هر صورت، این یک وظیفه حتمی برای همه مسلمانان است که از نزاع و درگیری میان مسلمین جلوگیری نموده و افراد در رابطه با این مسئله خود را مسئول بدانند تا از بروز بسیاری از ناامنی‌ها و هراس‌ها جلوگیری شود. (مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۷، ص ۱۱۳؛ مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۲۲، ص ۱۶۷-۱۶۶)

حفظ وحدت و اصلاح میان مردم، بر تک تک افراد جامعه لازم است و انسان مسئول، هم خود از اختلاف با مردم می‌پرهیزد و هم دیگران را از اختلاف با یکدیگر باز می‌دارد (صادقی تهرانی، ۱۴۱۹، ج ۱۲، ص ۱۲۰) در این شرایط، به طور قطع امنیت روانی مستقر خواهد شد.

۲- رعایت حقوق دیگران

قرآن کریم در آیات بسیاری، مؤمنان را چه در باب مسائل اقتصادی و چه در باب حقوق معنوی (آرامش روحی) و... دعوت به احترام به حقوق مردم نموده است. به عنوان نمونه در این باره آمده است: (وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ...) (بقره/۱۸۸) واضح است که مراد از خوردن در این آیه کنایه از هر گونه تصرف می‌باشد؛ منظور امتناع از هر گونه بی‌توجهی نسبت به حقوق و اموال دیگران است.

برخی معتقدند چون اولین تصرف در حقوق دیگران به خصوص در مال، احساس می‌شود، به آن خوردن مال می‌گویند. به همین جهت هر قسم تصرف و گرفتن، مخصوصا در مورد اموال را، خوردن مال می‌نامند (طباطبایی، ۱۴۱۲، ج ۲، ص ۵۱). لذا این آیه تنها به نهی از خوردن مال گوشزد نمی‌کند، بلکه می‌فرماید؛ افراد حق تعرض به حقوق دیگران را ندارند.

مفسرین، معنای «بِالْبَاطِلِ» را نیز در آیه مطرح شده؛ حق غیر شرعی دانسته‌اند، یعنی هر آنچه که به وسیله آن، می‌شود به حقوق دیگران تجاوز کرد؛ از جمله خیانت، فریب، نیرنگ، دزدی و تمامی چیزهایی که امنیت اجتماعی افراد را به مخاطره می‌اندازد (زحیلی، ۱۴۲۲، ج ۱، ص ۹۳؛ اندلسی، ۱۴۲۰، ج ۱، ص ۲۱۸).

رعایت حقوقی که خداوند و افراد جامعه برای ایجاد محیط آرام تعیین می‌کنند، الزامی است. زیرا اگر همه افراد عملا به حقوق موضوعه خود پایبند باشند، امور جامعه با نظم مطلوب پیش می‌رود. بنابراین جهت حفظ اجتماع از کشمکش و نزاع و استقرار نظم عمومی و امنیت اجتماعی در آن، افراد می‌بایست نسبت به رعایت حقوق یکدیگر خود را مسئول بدانند. (مصباح یزدی، ۱۳۷۹، ص ۸۳) مسلما آنگاه که افراد عضو یک گروه، و به دنبال آن عضوی از جامعه، به حقوق یکدیگر احترام نگذارند امنیت افراد و آرامش روانی آنها تحت تأثیر این مسئله قرار خواهد گرفت. خداوند به هنگام نکوهش قوم یهود و ذکر اعمال زشت آنان می‌فرماید:

«وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا» و به سبب ناروا مال مردم خوردنشان، و ما برای کافران آنان عذابی دردناک آماده کرده ایم. (نساء/۱۶۱)



توجه به حقوق دیگران به عنوان یکی از مؤلفه‌های تأمین امنیت آنقدر مهم است که حتی خداوند آن را بر حقوق خود مقدم می‌دارد: «جَعَلَ اللَّهُ سُبْحَانَهُ حُقُوقَ عِبَادِهِ مُقَدَّمَةً لِحُقُوقِهِ [عَلَى حُقُوقِهِ]...» (تمیمی آمدی، پیشین، ص ۴۷۸، ح ۱۱۰۳۹) خداوند حقوق بندگان را مقدم بر حقوق خود قرار داده است.

هر گروه، به تناسب ارتباطی که با انسان‌ها دارد، از حقوق شایسته خویش برخوردار می‌شود، و این حقوق، ممکن است با حقوق دیگران متفاوت باشد. اما آنچه که در این میان، قابل توجه است رعایت آن می‌باشد. در متون اسلامی اینگونه آمده است: «تَرَكَ الْحُقُوقِ مَذَلَّةً...» (حرانی، ۱۴۰۴، ص ۳۶۰؛ مجلسی، ۱۴۰۴، ج ۷۵، ص ۲۴۲) پامال کردن حقوق، سبب خواری است.

نتیجه گیری

بر اساس آنچه در این پژوهش بدان پرداخته شد، می‌توان گفت که از جمله خصایص جامعه ایمن و سالم، برخورداری از امنیت و احساس آرامش در تعاملات اجتماعی است. اسلام نیز جهت تحقق این امر که از نیازهای اساسی بشر به شمار می‌آید، ضوابط و تدابیری را تعبیه نموده و به جامعه پیشنهاد می‌دهد که از آن، می‌توان به نام اصول اخلاقی یاد کرد. اما آنچه در این رابطه از اهمیت والایی برخوردار است، ایمان به خداست که ریشه تمام فضایل اخلاقی بوده و بدون آن نمی‌توان از افراد جامعه انتظار حسن معاشرت مداوم و همیشگی را داشت. با وجود اعتقاد حقیقی به حضور خداوند است که خلقیاتی همانند برادری، وفای به عهد، تواضع و مسئولیت‌پذیری در محیط اجتماع معنا یافته و می‌تواند تحقق‌بخش جامعه‌ای امن و توأم با آرامش باشد.

منابع

- قرآن کریم (ترجمه محمد مهدی فولادوند)
- نهج البلاغه (ترجمه محمد مهدی جعفری)
- آموزگار، محمدحسن. "۱۳۷۶". اسلام و تربیت عقلانی و اجتماعی. تهران: انجمن اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران
- ابن فارس، احمد. "۱۳۶۱". معجم مقاییس اللغة. قم: مکتب الاعلام الاسلامی به تحقیق و ضبط عبدالسلام محمد هارون ابن منظور، محمد بن مکرم. "۱۴۱۴". لسان العرب. بیروت، ناشر: دار صادر
- اصفهانى، حسین بن محمد. "۱۴۱۲". المفردات فی غریب القرآن. دمشق-بیروت، ناشر دارالعلم الدار الشامیه
- اندلسی، ابوحنیفان محمد بن یوسف. "۱۴۲۰". البحر المحيط فی تفسیر القرآن. (تحقیق صدقی محمد جمیل). بیروت، ناشر: دار الفکر
- پژوهشکده فقه و حقوق علوم و اندیشه سیاسی اسلام. "۱۳۸۴". اندیشه سیاسی در گفتمان علوی. قم، بوستان کتاب، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه
- تمیمی آمدی، عبدالواحد. "۱۳۶۶". غررالحکم و دررالکلم. چاپ اول، قم، چاپ دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه، ش، قطع وزیری
- جوان، عبدالله. "۱۳۸۳". نظم اجتماعی در اسلام. قم: ناشر مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما



- الحرانی، ابن شعبه. "۱۳۶۳". تحف العقول عن آل الرسول (ص). مؤسسه النشر الاسلامی لجماعه المدرسین زحیلی، وهبه بن مصطفى. "۱۴۲۲". تفسیر الوسیط. دمشق، ناشر دار الفکر
- سبحانی، جعفر، "۱۳۸۳". منشور جاوید. قم: مؤسسه امام صادق (ع)
- صادقی تهرانی، محمد. "۱۳۶۵". الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن. قم: انتشارات فرهنگ اسلامی طباطبایی، محمد حسین. "۱۴۱۲". المیزان فی تفسیر القرآن. قم: انتشارات اسماعیلیان
- طریحی، فخرالدین. "۱۳۷۵". مجمع البحرین. (تحقیق سید احمد حسینی). تهران: ناشر مرتضوی عسکری، ابی هلال. "۱۴۲۱". معجم فروق الغویه. بی جا، مؤسسه النشر الاسلامی
- فضل الله، سید محمد حسین. "۱۴۱۹". تفسیر من وحی القرآن. بیروت: دار الملائک للطباعة و النشر قرشی، علی اکبر. "۱۳۷۱". قاموس قرآن. تهران: انتشارات دار الکتب الاسلامی
- _____ "۱۳۷۷". تفسیر احسن الحدیث. تهران: بنیاد بعثت
- کافی، مجید. "۱۳۸۵". مبانی جامعه شناسی. قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، دفتر برنامه ریزی و تدوین متون درسی کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق. "۱۳۶۲". الکافی. تهران: ناشر اسلامی
- لاوتن، آلن. "۱۳۸۴". مدیریت اخلاقی در خدمات دولتی. ترجمه محمدرضا ربیعی مندجین-حسن گیوریان، چاپ دوم، تهران، انتشارات یکان
- مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی. "۱۴۰۴". بحار الانوار. بیروت- لبنان: مؤسسه توافاء، قطع وزیری
- محدث نوری، میرزا حسین. "۱۴۰۸". مستدرک الوسائل. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام
- مدرسی، محمد تقی. "۱۴۱۹". من هدی القرآن. تهران: دار محبی الحسین
- مشایخی، قدرت الله. "۱۳۷۹". حقوق از دیدگاه امام سجاد شرح رساله الحقوق. قم: انتشارات انصاریان
- مصباح یزدی، محمد تقی. "۱۳۷۹". حقوق و سیاست در قرآن. (نگارش محمدشهرابی). قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)
- مصطفوی، حسن، "۱۳۸۵". التحقیق فی الکلمات القرآن الکریم. تهران: مرکز نشر آثار العامه المصطفوی
- مطهری، مرتضی. بی تا. مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا
- مغنیه، محمد جواد. "۱۳۶۱". فلسفه اخلاق در اسلام. انتشارات بدر
- مفید، محمدبن محمد. "۱۴۱۳". الاختصاص. قم، چاپ کنگره جهانی هزاره شیخ مفید
- مکارم شیرازی، ناصر. "۱۳۵۳-۱۳۶۶". تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الإسلامیه
- منصورنژاد، محمد. "۱۳۸۸". امنیت اخلاقی از دیدگاه شهید مطهری. ستاد بزرگداشت استاد شهید مطهری (به کوشش رمضان شعبانی سارویی). تهران
- نراقی، محمد مهدی. "۱۹۶۳". جامع السعادات. (به کوشش محمد کلانتر). (مقدمه: محمد رضا منطقی). قم، داویریتعلیق
- علیه و تصحیه السید محمد کلانتر، النجف، منشورات جامعه النجف الدینیة
- واعظ زاده الخراسانی، محمد. "۱۴۱۹". المعجم فی فقه لغة القرآن و سر بلاغته. مشهد: الاستانہ الرضویه المقدسه، مجمع
- البحوث الاسلامیه



هندی، حسام الدین. "۱۴۰۵". کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال. (ضبط و فسر: غریبه الشیخ بکری حیانی). (صحہ:

الشیخ صفوه السقا). بیروت: مؤسسہ الرسالہ